گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۶۷۱۸
چهارشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۱ ۸:۲۵

یادداشتی از محمد ناصریراد؛

نقد و بررسی اثار روز اول جشنواره فیلم کوتاه شیراز

دیروز عصر به تاریخ ۲۴ خردادماه، دهمین دوره ی جشنواره ی فیلم کوتاه شیراز کار خود را با نمایش فیلم های کوتاه در دو سانس در سینما فرهنگ شیراز شروع کرده که این رویداد با استقبال نسبتا پرشور مخاطبان همراه بود، متاسفانه نور کم ویدئو پرژکتور و صداهای غیر تراز از عمده ترین ضعف های این روز بود .

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، در سانس اول که ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار شد تعداد ۹ اثر به نمایش در آمدند . در اینجا به بررسی اجمالی تعدادی آثاری که قابلیت نقد دارند، میپردازیم.
قبل از شروع فیلم ها آنونسی بسیار کلیشه ای و نخ نما شده، بد ریتم و بدقواره از این جشنواره به نمایش در آمد .
دانته/امین تبار(جنایتکار بی همه چیز)
اثری کوتاه که در ایده ی ناظرش تلاش دارد به ما نشان دهد نباید زود اعتماد کرده و فریبِ جریان روشنفکر را بخوریم در صورتیکه خود اثر در تله ی روشنفکری افتاده است. اثری شلخته و پر خرج که در قصه گویی خود زبان الکن و ناقصی ندارد . خط فرضی در صحنه هایی شکسته است.
ناجور/ وحید مباشری ـ اسما درویش خوب(عصر قدیم)
اثری تجربی در ابعاد تصویری ۳ به ۴ که تلاش دارد مصائب و مشکلاتِ فعالیت و مشاغل های صنعتی برای زنان را تبیین کند .
دختر جوانی را کلاه به سر میبینیم که با مردپیکری زبان اژدها در جدال است و در پایان دختر با ابزار صنعتی بر او فایق می آید، اثری که میتوان گفت به سینمای تجربی نزدیک شده و استفاده ی خوبی از روایت انیمیشن برای قصه ی خود دارد.
مارپله / مصطفی رستم پور ـ عاطفه رضاییان (پسر بچه و حمام)
اثری بد رنگ، بی رمق با بازی های متوسط و سرشار از نمای اینسرتِ و محدود
در این اثر نمای باز که هیچ حتی نمای متوسط هم نمیبینیم، پس زمینه ها تماما کور شده و نورها و سایه ها بسیار بد و اصلا در خدمت قصه نیستند.
اثر با روایتِ قصه ی نامفهومی که دارد سعی میکند به مسائل پیش روی کودکان خردسال اشاره کند ولی اصلا در این مهم موفق نبوده تا آنجایی که در پایان فیلم برای همگان این سوال ایجاد میگردد: چی شد ؟ مادر تجاوز میکرد یا پرستار بچه ؟
این اثر ضربه های مُهلکی از فیلمنامه و همچنین روایت کارگردانی خورده است.
آمِرلی / امین گودرزی پور (سَلام فرمانده)
انیمیشنی بی ادعا با اجرایِ تکنیکی متوسط
اثر در نهایت در گفت حرفش درمانده نبوده و مقصود خود را هر چند به صورت شعار زده، بیان میکند .
زیستن / محسن سلمانی (مثلثِ زندگی)
اثری که خوب شروع شده و نسبتا درست پایان میپذیرد. موجودی دو پا در مثلثی که گویی رَحمِ مادر است در تکاپوست و تقلا میکند، نهایتا پا به دنیای دیگری میگذارد، دنیایی نا شناخته، زشت، تاریک و سخت.
روایتی از ارجاعات بینا متنی نظیر سقف کلیسای سیستین اثر تحسین شده ی میکل آنژ با نام افرینش ادم یا مجسمه ی برنزی اندیشه گر اثر آگوست رودن و ...
اثری با اجرای فنی نور، تصویر و صدای خوب که سعی دارد در نمای پایانی اش در کافی شاپی که عملا مغایر با کل فرم و ساختار سابقش است، بر تجربی بودنِ ساختارِ خود صحه بگذارد.
هپرا / پرهام کاویانی (هپروت)
اثری ما قبلِ نقد با بازی های بسیار بد که قبل از آنکه بخواهد زیرنویس انگلیسی داشته باشد بهتر بود زیر نویس فارسی میداشت .
پرده / ایمان بهروزی (بی پرده)
اثری که در قالب مستند ارائه شده ولی نه به مستند میبرد و نه داستانی روایت میکند و نه حتی تجربه ی جدیدی در روایت دارد.
اثری کُند، پر ادا و حوصله سر بَر که اگر نوشته های اول و آخرش را حذف کنیم، هیچ حرفی برای گفتن نداشته و میتوان گفت تعدادی راش به هم متصل شده اند .
پس از اتمام این اثر یکی از تماشاگران با بدگویی از فیلم سالن را ترک کرده و بقیه ی مخاطبان هم این کار او را مورد تشویق قرار دادند .
ادامه بده / فرشاد عباسی (سلام مستر عباسی)
فیلم سعی دارد معنای انتروپی را برای ما تفهیم کند و بفهماند که با همه ی سختی هایی که ممکن است بر سر راه ما قرار گیرد، باز هم باید ادامه داد.
اثری با استعارات درون متنی بسیار با استفاده از فیلم های مطرح تاریخ سینما .
اثری تکراری و سرد که تکلیفش در روایت با مخاطبش اصلا روشن نیست .
وضعیت ارام / مهدی دواچی (دختری در خوابگاه پسران)
به جرات میتوانم بگویم تنها اثری در این سانس که سر و شکل فیلمی جدی در قالب فیلم کوتاه را داشت، همین فیلم بود.
دختری که بنا بر شرط بندی که انجام داده در صدد است وارد خوابگاه دانشجویی پسران شده و از آنجا فیلمی بگیرد، که بر این کار هم فایق می آید.
فیلمی با جای دوربین های درست، پایانِ تکان دهنده و بازی های نسبتا خوبِ بازیگرانش که ضربه ی اصلی را از فیلمنامه اش میخورد .
خوشبختانه سانس اول فیلم ها به پایان رسید و بدون پذیرایی هر چند مختصر، پس از گذشت ده دقیقه با لبی تشنه به تماشای سانس دوم نشستیم.
یکی دیگر از ضعف های این دوره ی جشنواره، فشرده بودنِ پخش آثار است، گویی عوامل شرط بندی کرده که حتما باید این ۳۵ اثر در دو روز به نمایش درآیند، حال شرط بندی با چه کسی و چرا؟ اصلا مشخص نیست، بگذریم.
در سانس دوم، ۱۰ اثر در قالب مستند، داستانی، تجربی و انیمیشن به نمایش در آمدند.

ییلاق سرد / محسن دانشور ـ محمدحسین فلاح زاده (طایفه ی کورُش)مستندی که معضلاتِ تغییرات جمعیتی و زیست محیطی را از زاویه ی عشایر کوچ رو که سالیانِ سال در مسیری کوچ کرده و امروز با گسترش شهرها به مشکل خورده اند، روایت میکند. اثری که اگر با زبان قشقایی و زیر نویس فارسی ضبط شده بود، به عیار بهتری دست می یافت.
عمده مشکلِ اثر فارغ از یک دست نبودنِ حرفش، این است که پا را از روایت های ساده و مشخصِ همیشگی فراتر نگذاشته و خلاقیتی چه در فرم و چه در روایتِ اثر دیده نمیشود.
زنده به گور / محمد زارع ـ حسن ابراهیم نژاد (اوروبوروس)شاید بتوان این جشنواره را از محدود جشنواره هایی قلمداد کرد که قریب به ده فیلمش با کارگردانی مشترک ساخته شده است که این اثر یکی از آن هاست .
اثری با روایتِ دوربین روی دست، نورپردازیِ پر کنتراست و حرکت سیار و سیال که در بسیاری مواقع از تمپوی مناسبی بهره مند نشده و مخاطب را خسته و کسل میکند . اول و آخر این اثر به هم گره کوری خورده که خروج از آن محال به نظر میرسد .
آل / مسعود احمدی (آل در کمین)اثری که تنها ویژگی اش استفاده از لنز واید در محیطی با مساحت کم است .
استفاده از رنگِ قرمز و افه های صوتی به ایجاد فضای ذهنیِ ترس و دلهره کمک کرده تا اثر را به ژانر وحشت نزدیک گردد .
دربیل / لاوری منفرد ـ حسین پور (در حسرت)فیلمی با حادثه ی محرک خوب و به جا در شروع و بازی های متوسط بازیگرانش که دنیای شاعرانه ی کودک، عشق فوتبال ها را به تصویر میکشد .
فیلمی با دکوپاژ منسجم و بی نقص
بدون عنوان / امین باقری (تقدیم به استاد)این اثر در قالب تجربی به جشنواره ارائه شده در صورتیکه داستان دارد و لحن و گرامرش بسیار لُوس، شعاری و البته تکراریست.
اگر راهی در دامنه ی کوه و تپه، درختی و پیرمردی در حرکت ببینیم، بی درنگ در دامِ فضایی خواهیم افتاد که عباس کیارستمی خالق آن است.
بی قرار / مهدی صدیقی(نقابِ مادر)
انیمیشنی خوش فرم و خوش تکنیک با قصه ای ساده و صمیمی، استوری برد های دقیق و درست، تنها ایرادی که به این اثر وارد است طراحی میمیک چهره ی شخصیت هاست که میتوانست در انتقال حس و مفهوم بهتر باشد.
هبوب / شیوا بافهم (طوفان خاک، لباس و آینه)
چند روزی در بیابان های اطراف اصفهان، قرار است اثری تولید شود تک کاراکتر، سمبلیک و استعاری .
دختری مشکی پوش و سرگردان به دنبال چه میگردد در این بیابان؟
عروسک، لباس، رقص شبهِ سماء، لباس عروس و از همه مهتر آینه های شکسته در دلِ خاک استعاره های نمادینِ این اثر است، دختری که گویی به دنبال هویتِ مخدوش شده ی خود است و فارغ از نمادشناسی های اثر در نهایت در غروبی مغموم، منظره را ترک میگوید.
حال سوال اینجاست چه لحن و گرامر جدیدی در فرم سینما وارد آمده که حضور اثر را در بخش تجربی توجیه کند؟
متاسفانه در بین اثار این دو سانس، به جز یک یا دو اثر که آن هم تا اندازه ای به سینمای تجربی نزدیک شده بود، هیچ یک از آثار تجربی نبوده و بیشتر استعاری، نمادگرا و سمبلیک بودند.
جی جی بی جی / کریم کرمی (جیغ و ویغ)مستندی تحقیق محور با روایتی سر وشکل دار و منسجم که نمایش آیینی سنتی جی جی بی جی میپردازد .
و چقدر فقدان این دست آثار که موجب ثبت، حفظ و شناساندنِ میراث ناملموس این شهر میشود در بینِ سینماگرانِ شیراز ما بسیار کم به چشم میخورد.
اثری که میتوانست با اتخاذِ خرده پیرنگِ داستانی و موتیف سازی های بصریِ خلاقانه، از انسجام بهتری بهره مند باشد .
صحنه سازی / عزت سازدگان ـ نجاتیان (توهمِ یک قتل)اثری پر دیالوگ، پُر خرج و پُر سرو صدا که گویی به تله تئاتری ضعیف با بازیگرانِ تئاتری شیرازی میماند و از معیارهای اصیلِ سینما و قصه گویی در آن فاصله ها دارد.
فیلمی با فیلمبرداریِ درست که توانسته به خوبی با استفاده از عنصرِ نور، فضایی وهم آلود را خلق کرده و بسط دهد ، علیرغم همه ی این ها فیلم در برخی مواقع در کارگردانی اینسرت ها و کلوزهای نامانسبی را به ما ارائه میدهد، در عین حال با فیلمی یک دست و مسنجم روبرو بودیم که سعی داشت مسئله ی بغرنج روانی را نشانمان دهد .
باتان سو / مسلم منفرد (در جستجویِ خویشتنِ خویش)
زن میانسالی پس از فارغ شدن از کار و بازنشستگی به دنبال خویشتنِ گم شده ی خویش در عنفوانِ جوانی میگردد، خویشتنی که در وی سرکوب شده ولی گویی او را طلب میکند که حالا وقت آن فرا رسیده برای آمدنش اقدام کند.
رفتن به روستایی به اسمِ باتان سو که هم هنر مُرده و هم جایگاهِ زن، مفلوک، مظلوم و ستم زده است .
از نظر ایده و کانسپت اثر غنای خوبی دارد ولی اصلا پرداخت و روایت درستی ندارد .
این اثر از منظر فرم و ساختار، ضعف های بسیاری دارد، به عنوان مثال در قسمت هایی از فیلم نماهای نقطه نظری می بینیم که از پشت درخت ها سرک کشیده که فاعل آن را هرگز نمیبینیم، بنظر میرسد مولف دنبال آن باشد که به ما بگوید این نقطه نظر ها متعلق به خویشتنِ خویشی از زنیست که در همان سن و سال در آن روستا رها شده باشد، ولی به ندرت مخاطبی این مسئله را متوجه میشود.
اثری با بازی های نازل(خصوصا شخصیت های فرعی)، و دارایِ نماهای تکراری، بلند و اضافی